

## عنوان مقاله:

نظریه ی نظریه، خاستگاه و کارکردهای نظریه

## محل انتشار:

ششمین همایش پژوهشهای ادبی (سال: 1391)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

## نویسنده:

مجتبی بشردوست - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان

## خلاصه مقاله:

مرز تحقیق ادبی، نقد ادبی و نظریه ادبی تا کجاست؟ آیا تحقیق ادبی از نظریه ی ادبی بهره ای می برد؟ نقد ادبی چطور؟ نظریه ها چگونه شکل می گیرند؟ آیا همه ی نظریه ها جهانی (universal) هستند؟ تعامل و ترابط نظریه ها چگونه است؟ رنه ولک در کتاب نظریه ی ادبیات نسبت نقد ادبی و نظریه ادبی را دیالکتیکی می داند. بوردیو در کتاب گفتارهایی درباره ایستادگی در برابر نولیبرالیسم می گوید: با حریف هایی طرف هستیم که مسلح به نظریه هستند و به گمانم می بایست با سلاح های فرهنگی و روشنفکری با آنها جنگید. پیترکیویستو (Peter Kivisto) در کتاب اندیشه های بنیادی در جامعه شناسی (key idea in sociology) می گوید: نظریه ها صرفاً سازه های ذهنی و مجموعه ای منظمی از واژه ها هستند... نظریه ها باید روشن، بی تناقض و هم آهنگ با تجربه باشند. کیویستو کارکرد نظریه را تبیین می داند ولی تری ایگلتن (Terry Eagleton) و هابرماس، کارکرد نظریه را تبیین و تغییر مناسبات اجتماعی می دانند. این کریب (Ian Craib) در کتاب نظریه های مدرن در جامعه شناسی (modern social theory) می گوید: همان طور که جهان تغییر می کند و به جهانی دیگری تبدیل می شود نظریه هم که وسیله ی فهم این جهان است تغییر خواهد کرد. این جستار، پژوهشی است درباره خاستگاه و کارکردهای نظریه.

## کلمات کلیدی:

نظریه، نظریه ی نظریه، خاستگاه نظریه، کارکرد نظریه، کنش اجتماعی، فرابودگی نظریه، درون بودگی نظریه

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/193674>

